

مبانی فقهی مسئولیت حکومت در برابر زنان بی سرپرست و بدسرپرست

محمد نوذری* معصومه حاج حسینی**

چکیده

نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان شاکله‌ی اصلی و زمینه‌ساز تحقق تمدن اسلامی؛ ناگزیر از توجه نظام‌مند به تمام مختصات حکومت اسلامی است؛ بخشی از این مختصات مربوط به حل مسائل و مشکلات افراد نیازمند و توجه ویژه به زنان بی سرپرست و بدسرپرست است. نظر به اهمیت نقش زنان در خانواده و جامعه، حمایت از این گروه، ضروری و اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد، اما سؤال اینجاست که مبانی فقهی مسئولیت حکومت در قبال این گروه از زنان چیست؟ پژوهش حاضر با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به ادله‌ی عام و خاص فقهی، به دنبال کشف شیوه‌ی مواجهه با این پیامد اجتماعی از حیث انسانی و فقهی است و از سوی دیگر به دنبال شناخت مسیرهایی است که حکومت اسلامی در قبال این پدیده‌ی اجتماعی پیشنهاد داده است. نگاه حکومت اسلامی از لحاظ فقهی به این زنان حاکی از نوعی باورداشت ویژه از کیفیت نقش آنهاست. این نوشتار در پایان امر با توجه به مبانی مورد نظر، لزوم بازنگری در قوانین جمهوری اسلامی ایران را اثبات و پیشنهادهای را در این باره مطرح می‌کند.

واژگان کلیدی

حقوق زنان، زنان بدسرپرست، زنان بی سرپرست، وظایف حکومت.

*. استادیار دانشگاه قم (abasaleh.s@gmail.com)
**. دانشجوی دکتری رشته فقه و مبانی حقوق دانشگاه قم و نویسنده مسئول (m.hajhoseini1760@gmail.com).
تاریخ دریافت: ۹۶/۹/۲۲ تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۲/۲

۱- مقدمه و بیان مسئله

بسیاری از اسناد بالادستی^۱ از جمله قانون اساسی، بر تأمین نیازهای افراد بی سرپرست از جمله زنان بی سرپرست - به عنوان اقشار آسیب پذیر جامعه - تأکید کرده اند. قانون گذار نظام اسلامی با توجه به اصول تعالی نهاد خانواده، برقراری عدالت اجتماعی، پیشگیری از مفاسد اجتماعی و همچنین رعایت حقوق شهروندی موظف است تا این گروه را زیر چتر حمایتی خود قرار دهد. علی رغم توجه قانون گذار به حمایت از زنان بی سرپرست، در اتخاذ تصمیم صحیح در خصوص چگونگی این حمایت در اصول مذکور و قوانین مربوطه، جای بحث و بررسی وجود دارد. با مراجعه به متون فقهی و منابع غنی اسلامی و در نظر داشتن هندسه‌ی جامعه‌ی اسلامی، می توان ادعا کرد که در نظام اسلامی زنی با عنوان زن خود سرپرست و یا سرپرست خانوار معنا ندارد و در خصوص زنان بی سرپرست، حاکمیت اسلامی عزتمندانه سرپرستی این قشر از افراد آسیب پذیر را به عهده دارد و از این حیث قوانین نیازمند اصلاح و بازنگری اساسی هستند.

۲- تعریف مفاهیم

مناسب است قبل از ورود به بحث، مفاهیم کلیدی تعریف شوند.

۲-۱- زن بی سرپرست

زنان بی سرپرست یا سرپرست خانواده زنانی هستند که بدون حضور منظم یا حمایت یک مرد بزرگسال، سرپرستی خانواده و مسئولیت اداره‌ی اقتصادی و تصمیم گیری‌های عمده را به عهده دارند. براساس تعریف‌های موجود و پذیرفته شده توسط سازمان بهزیستی کشور در خانواده‌های ایرانی معمولاً مرد (پدر) سرپرست خانواده محسوب می شود، اما تحت شرایطی چنین مسئولیتی

۱. مصوبه‌های مجلس پیرامون تأمین طنان و کودکان بی سرپرست ماده واحده‌ای است که در آن دولت مکلف است نسبت به تضمین بیمه و رفاه زنان و کودکان بی سرپرست موضوع چهارم اصل بیست و یکم قانون اساسی اقدام و حداکثر ظرف سه ماه لایحه آن را برای تصویب به مجلس تقدیم کند. در تبصره آمده است که دولت باید حتی الامکان در لایحه جهت خودکفا نمودن، بیمه شدگان را مورد توجه خاص قرار دهد. این قانون در تاریخ ۱۳۶۲/۸/۱ توسط مجلس شورای اسلامی تصویب و به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

- از دیگر مصوبه‌های مجلس می توان به قانون «تأمین زنان و کودکان بی سرپرست» مصوب ۱۳۷۱/۸/۲۴ اشاره کرد که زنان بیوه، زنان پیر و سالخورده، زنان و دختران بی سرپرست و کودکان بی سرپرست مشمول این قانون شده اند و در آن زنان و کودکان بی سرپرستی که تحت پوشش قوانین حمایتی دیگری نیستند از حمایت‌های مقرر در این قانون بهره مند می شوند.

- آیین نامه اجرایی قانون «تأمین زنان و کودکان بی سرپرست» در تاریخ ۱۳۷۴/۵/۱۱ به تصویب رسید که مشتمل بر ۱۴ ماده است. طبق ماده ۱، محور و اساس حمایت‌ها و اقدامات اجرایی موضوع این آیین نامه ایجاد امنیت اجتماعی و اقتصادی و فراهم کردن زمینه‌ها و موجبات عادی سازی زندگی زنان و کودکان بی سرپرست است. در ماده ۲، بر شناسایی کودکان بی سرپرست از طریق هماهنگی با نیروی انتظامی و معرفی آنها به سازمان بهزیستی طی مراحل قانونی و از طریق مراجع قضایی تأکید شده است.

- از دیگر مصوبه‌های مجلس، تصلاح ماده ۹ قانون «نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت» می باشد که در تاریخ ۷۵/۷/۱۵ به تصویب رسید. همچنین اصلاح ماده ۹ قانون «نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت» مصوب ۸۰/۱/۲۲

بر عهده‌ی زنان (مادر) قرار می‌گیرد. زنان بیوه، زنان مطلقه (اعم از زنانی که پس از طلاق به تنهایی زندگی می‌کنند یا به خانه‌ی پدری بازگشته‌اند، ولی خود امرار معاش می‌کنند)، همسران مردان زندانی، همسران مردان بیکار، همسران مردان مهاجر، همسران مردانی که در نظام‌وظیفه مشغول خدمت هستند، زنان خودسرپرست (زنان سالمند تنها)، دختران خودسرپرست (دختران بی سرپرستی که هرگز ازدواج نکرده‌اند) و همسران مردان از کارافتاده و سالمند، زن بی سرپرست محسوب می‌شوند (کارنامه‌ی سازمان بهزیستی کشور در سال (۸۱-۱۳۷۹)).

۲-۲- زن بدسرپرست

زنی که شوهر او حضور دارد اما به دلیل بیکاری، بیماری، از کارافتادگی، شانه خالی کردن از بار مسئولیت، اعتیاد و ... نقشی در امرار معاش ندارد و زن با آسیبی چون عدم تأمین امنیت اعم از اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، قضائی، عاطفی و ... ممکن است مواجه باشد.

در کتاب *تحریرالوسیله* امام خمینی (ره) در تعریف زنان معلقه آمده است: «مرد، مجاز نیست همسرش را به گونه‌ای رها کند که معلوم نباشد آیا شوهر دارد یا ندارد. زن را در این حالت «معلقه» می‌گویند و ضرورت دارد مرد به قدر لازم به همسرش سرکشی کند و شب‌هایی را نزد او بماند که به حالت معلقه در نیاید. این کار را اصطلاحاً «حق بیتوته» می‌نامند، به طوری که اگر مرد، یک همسر دائمی دارد، بیتوته حد معینی ندارد، ولی نمی‌تواند زن را به حالت معلقه رها کند» (موسوی خمینی، ۱۴۲۱: ج ۲، ص ۳۲۳).

۳-۱- زن سرپرست خانوار

از نظر جامعه‌شناسان واژه‌ی سرپرست خانواده^۱ یک اصطلاح توصیفی است و سرپرست خانواده به کسی اطلاق می‌شود که در مقایسه با سایر اعضای خانواده قدرت بیشتری دارد و معمولاً مسن‌ترین فرد خانواده و مسئولیت‌های اقتصادی خانواده به عهده‌ی وی است. این تعریف تا سال‌های اخیر در کشورهای اروپای غربی رایج بود (Mc Gowan, 1990: 123).

در تعریف دیگری، زنان سرپرست خانواده، زنانی هستند که بدون حضور منظم یا حمایت یک مرد بزرگسال، سرپرستی خانواده را به عهده دارند (Buvinic & Spring, 1978). بر مبنای تعریف سازمان بهزیستی، زنان سرپرست خانوار زنانی هستند که عهده‌دار تأمین معاش مادی و معنوی خود و اعضای خانوار هستند (کارنامه‌ی سازمان بهزیستی کشور در سال ۸۱-۱۳۷۹).

1. head of household

زنان بی‌سرپرست و بدسرپرست هر یک با توجه به شرایط زندگی‌شان ممکن است به واسطه‌ی اموری همچون فقر و وضعیت اقتصادی نامناسب، مشکلات اجتماعی- فرهنگی و شرایط روحی- روانی ویژه‌ای که دارند، از جمله آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه به شمار آیند. با همه‌ی این شرایط برخی از این زنان، سرپرستی خانواده‌های خود را نیز بر عهده دارند. با توجه به داده‌های آماری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۸۵، سرپرستی ۷/۳٪ از خانواده‌ها بر عهده‌ی زنان است. این آمار با رشد پنج درصدی در سال ۹۰ به ۱۲/۱٪ رسید که حاکی از روند روبه‌رشد تعداد زنان بی‌سرپرست در سه دهه‌ی اخیر است و با وجود مشکلات فراوان این زنان، نگاه ویژه به مسائل و مشکلات آنها و تأمین نیازهای اساسی ایشان امری ضروری است.

مطابق آموزه‌های مکتب اسلام، حاکم جامعه‌ی اسلامی در راستای نیل به افق مطلوب نسبت به تمام مختصات جامعه وظایفی به عهده دارد که توجه به مسائل و مشکلات افراد بی‌سرپرست و از آن جمله زنان بی‌سرپرست، بخشی از این مختصات خواهد بود؛ چراکه اگر چتر ولایی حاکمیت برای اقشار آسیب‌پذیر در نظر گرفته نشود، ممکن است نیازهای اولیه‌ی این افراد موجبات انحراف آنها را از مسیر صحیح زندگی فراهم آورد و به این ترتیب مشکلات ایشان به سطح جامعه کشیده شود و از این جهت آسیب‌های اجتماعی متعددی را در جامعه ایجاد کند. لازم به ذکر است که امنیت مورد نظر از حیث مسائل اقتصادی، اجتماعی، قضایی و حتی امنیت در حوزه‌ی بهداشت و سلامت و همچنین امنیت معنوی است. از آنجا که امنیت از نیازهای اساسی زن بی‌سرپرست است، ساماندهی آن بسیار ضروری و مهم است. براین اساس، بررسی مسئولیت حکومت در برابر زنان بی‌سرپرست مبتنی بر مبانی و اندیشه‌ی ناب اسلامی ضروری خواهد بود.

مجموع بررسی‌ها درباره‌ی سوابق موضوع تحقیق نشان می‌دهد، گرچه درباره‌ی متغیرهای این تحقیق پروژه‌ی تحقیقاتی خاصی در کشور انجام شده است، اما از لحاظ نوع روش تحقیق (داده بنیاد) کمتر پژوهشی در این حوزه مشاهده می‌شود. با این حال، جنبه‌ی دانش‌افزایی تحقیقات انجام شده در حوزه‌ی زنان سرپرست خانوار انکارناپذیر است و این حاکی از توجه به نقش این زنان به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های عدالت اجتماعی در حکومت اسلامی است. موضوع این تحقیق از نظر روش تجزیه و تحلیل داده‌ها و نیز روش گردآوری داده‌ها با برخی از پیشینه‌های بررسی‌شده تفاوت دارد، اما از لحاظ اهداف و سؤالات تحقیق، با پیشینه‌ها مشترک است.

این مقاله با نظر به مسئولیت حکومت در قبال این قشر از زنان به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال است که مبانی فقهی مسئولیت حکومت در برابر این زنان چیست و تلاش می‌کند تا با ارائه‌ی پیشنهادات حقوقی مقدمات حمایت از این زنان را فراهم آورد.

۳- مسئولیت حکومت در برابر زنان بی سرپرست و بدسرپرست از منظر فقها

موضوع مسئولیت حکومت در برابر زنان بی سرپرست، در کتب فقهی عمدتاً ذیل عنوان ولایت حاکم مطرح شده است. در این باره سه قول وجود دارد؛ طبق نظر برخی از فقها، اصلاً اطلاق و عموماتی راجع به ولایت حاکم وجود ندارد. صاحب حدائق با استناد به اینکه روایت «السلطان ولی من لا ولی له» در میان اخبار ما نیست و ظاهر این است که عامی است، با قطع نظر از اشکال سندی نتیجه می‌گیرد که از جهت دلالتی نیز روایت تمام نیست، زیرا مراد از «سلطان» امام معصوم -علیه السلام- است و ربطی به حاکم شرعی ندارد (حلی، ۱۴۱۰: ج ۲، ص ۶۰۷ و ج ۳، ص ۴۱۸). صاحب حدائق در این باره ادعای اجماع هم کرده است (بحرانی، ۱۴۰۵: ج ۲۳، ص ۲۳۹). در نتیجه، طبق نظر این دسته از فقها، حاکم تنها در محدوده‌ای خاص حق اعمال ولایت دارد که عبارت است از ولایت بر مجانین، سفها و صغار، البته در مواردی که بدون ولی هستند. برخی از فقها همچون فخرالمحققین و عمیدی تنها به نقل قول در مسئله و احیاناً ادله‌ی آن اکتفا کرده و خود فتوای صریحی نداده‌اند (حلی، ۱۳۸۷: ج ۳، ص ۲۶۱؛ عمیدی، ۱۴۱۶: ج ۲، ص ۶۸۰). مشهور بین فقهای متقدم و متأخر ولایت حاکم به صورت مطلق بر تمام امور است،^۱ که طبق این قول مسئولیت حکومت در برابر زنان بی سرپرست ثابت است.

۱۱۱

۴- مبانی مسئولیت حکومت در حمایت از زنان بی سرپرست و بدسرپرست

در بحث از مبانی مسئولیت حاکم جامعه‌ی اسلامی به عنوان سرپرست جامعه، به حمایت از زنان بی سرپرست و بدسرپرست باید به دو دسته ادله اشاره کرد؛ دسته‌ی اول، ادله‌ی عام هستند که یا غیرمستقیم به بحث مورد نظر ارتباط پیدا می‌کند، همچون آیات و روایاتی که ضرورت وجود حاکم را به عنوان سرپرست جامعه‌ی اسلامی مطرح می‌کند و یا آنکه به جهت کلی بودن و عمومیت داشتن اقسام بی سرپرستان، از جمله این قشر از زنان را نیز شامل می‌شوند. بر اساس این ادله می‌توان نتیجه‌گیری کرد که حاکم در قبال کلیه‌ی افراد جامعه و به دنبال آن در قبال زنان بی سرپرست و بدسرپرست مسئول است. دسته‌ی دوم، ادله‌ی خاص، ادله‌ی هستند که مستقیماً حاکم را به حمایت از این قشر از زنان موظف می‌کند و مسئول تأمین نیازهای آنها می‌داند و بر طبق این ادله، حاکم جامعه‌ی اسلامی ملزم به حمایت از زنان بی سرپرست و بدسرپرست است.

۱. لعموم ولایته [الحاکم الشرعی] فی المناصب الشرعیة، حائری، ۱۴۱۸: ج ۴، ص ۱۵۶؛ (و هو عموم ولایتهم [الإمام و المجتهد] نجفی، ۱۴۰۴: ج ۱۵، ص ۱۴۵؛ (لعموم ولایتهم [الإمام و القاضی]، عاملی، ۱۴۱۱: ج ۲، ص ۳۸۶)؛ (لأنه [الإمام أو الوالی من قبله] یتولی أمور المسلمین، حلی، ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۲۳۲؛ (و الحاکم ولی عام لا یحتاج إلى دلیل)، عاملی، ۱۴۱۰: ج ۴، ص ۱۰۵؛ عاملی، ۱۴۱۳: ج ۴، ص ۱۶۲؛ و لأنه [الحاکم الشرعی أو منصوبه] والی المصالح العامة)، عاملی، ۱۴۱۳: ج ۵، ص ۳۷۳؛ (أنه لا بد من ولی و لیس أحد أحق منه [الحاکم]، و لا یساویه للعلم و التقوی، و فی غیره مفقود)، اردبیلی، ۱۴۰۳: ج ۹، ص ۲۳۱؛ (و الحاکم ولی عام لا یحتاج إلى دلیل و ولایة الحاکم ثابتة علی الإطلاق، و المراد به الإمام علیه السلام أو نایبه الخاص، أو العام و هو الفقیه الجامع للشرائط، بحرانی، ۱۴۰۵: ج ۲۰، ص ۳۷۴؛ (لأن ولی المالك و هو الحاکم موجود)، حلی، ابن فهد، ۱۴۰۷: ج ۴، ص ۳۰۳

۴-۱- ادله‌ی عام مسئولیت حکومت

در این قسم از ادله‌ی عام در خصوص ضرورت حمایت حاکم از زنان بی‌سرپرست، با بهره‌گیری از ادله‌ی نقلی (آیات و روایات) و عقلی (بحث از ولایت حاکم در امور حسبه و ولایت حاکم بر کسی که ولی ندارد بر طبق روایت «السلطان ولی من لا ولی له» و «روایت الحاکم ولی الممتنع»^۱)، می‌توان گفت که عمومیت این ادله، زنان بی‌سرپرست را نیز دربرمی‌گیرد و ضرورت حمایت حاکم از این قشر را نیز می‌رساند و مسئولیت حاکم را در حمایت از آنها ثابت می‌کند.

الف. ادله‌ی نقلی عام مسئولیت حکومت

طبق آیات و روایات متعدد، حاکم امت اسلامی به عنوان رهبر و سرپرست امت، تکالیفی را در قبال افراد به عهده دارد؛ لذا در خصوص زنان بی‌سرپرست نیز مسئولیت می‌یابد. از طرفی بر اساس بسیاری از آیات، هدف بعثت‌ها و تشکیل حکومت‌ها برقراری نظام عادلانه‌ی اجتماعی است. از جمله‌ی این آیات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

«وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقَىٰ الْجَمْعَانِ وَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (انفال: ۴۱).

«خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِهَا وَ صَلِّ عَلَيْهِمْ إِنْ صَلَاتَكَ سَكَنَ لَهُمْ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (توبه: ۱۰۳).

در این آیات پیامبر اکرم (ﷺ) و به تبع ایشان سایر حکام جامعه‌ی اسلامی، مأمور شده‌اند که مالیات‌هایی نظیر خمس، زکات و خراج را بگیرند و صرف مصالح مسلمین کنند. از جمله اقشار نیازمند حمایت مالی حاکم، زنان بی‌سرپرست هستند که ضروری است حاکم برای تأمین معاش اقتصادی آنها به این قشر توجه ویژه‌ای داشته باشد تا هدف تأمین عدالت اجتماعی نیز محقق شود.

در روایات متعددی نیز به وظایف حاکم اسلامی اشاره شده است و یکی از وظایف وی، حمایت از محرومان و مظلومان و حقوق آنها ذکر شده است. چه آنجا که ستمگری به حقوق آنها تجاوز کرده است و چه زمانی که به دلیل نبود سرپرست و حمایت‌گری، حقوق آنها سلب می‌شود. امیر مؤمنان علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «خدا از حاکم اسلامی پیمان گرفته است که در برابر پرخوری ستمگران و گرسنگی مظلومان سکوت نکند»^۲ (طوسی، ۱۴۱۴: ۳۷۴).

۱. وَ مَا أَخَذَ اللَّهُ مِنْ أَوْلِيَاءِ الْأَمْرِ مِنْ أَنْ لَا يُقَارُوا عَلَىٰ كَيْفَةِ ظَالِمٍ وَ سَعَبَ مَظْلُومٍ.

همچنین ایشان می‌فرمایند: «بار خدایا تو می‌دانی که آنچه ما به دنبال آن هستیم به خاطر علاقه به سلطنت یا چنگ‌افکندن به چیزی از حطام دنیا نیست، بلکه بدان جهت است که دین تو را به جامعه بازگردانیم و اصلاح را در شهرهای تو آشکار کنم، تا بندگان ستم‌دیده‌ی تو، امنیت یابند و حدود اجرا نشده‌ی تو به اجرا در آید...» (سیدرضی، نهج البلاغه: خطبه‌ی ۱۳۱).

طبق روایات و تدقیق در سیره‌ی پیامبر اکرم (ﷺ) و ائمه‌ی معصومین (علیهم‌السلام) تأمین امنیت یکی از مهم‌ترین مسئولیت‌های حاکم در جامعه مطرح شده است و حاکم جامعه‌ی اسلامی مسئولیت افراد جامعه به خصوص افراد ضعیف‌تر را به عهده دارند. یکی از مستضعف‌ترین اقشار جامعه‌ی اسلامی، زنان بی سرپرست هستند که حمایت حاکم از آنها از اهم امور محول شده بر ایشان است. زنان بی سرپرست به دلیل نبود سرپرست یا عدم ایفای نقش سرپرستی، سرپرست ایشان از جهت مالی و معنوی با مخاطرات زیادی در زندگی مواجه‌اند؛ لذا برای تأمین امنیت مالی و معنوی زندگی‌شان نیازمند حمایت حاکم هستند.

ب. دلیل عقلی عام ناظر بر مسئولیت حکومت

از نظر عقلی تشکیل حکومت و وجود حاکم برای ایجاد نظم و عدالت و ارتقای زندگی انسان، ضروری است. ضرورت برقراری نظم در جامعه‌ی اسلامی از مسائلی است که نه تنها بر اساس نصوص اسلامی بلکه به عنوان یک ضرورت عقلی مورد اتفاق فقهای اسلام قرار گرفته است.

ج. مؤیدات فقهی عام ناظر بر مسئولیت حکومت

• جایگاه ولایت فقیه در امور حسبه

از جمله وظایفی که بر عهده‌ی ولی فقیه گذاشته شده است، رسیدگی به امور حسبه است. حسبه اسم مصدر از ماده‌ی حسب به معنای مزد، پاداش و اجر است (جوهری، ۱۳۷۶: ج ۱، ص ۱۱۰؛ ابن اثیر، ۱۳۶۴: ج ۱، ص ۱۶۵). امور حسبه عبارت است از اموری که در جامعه باید باشد و مسئول مشخصی هم ندارد. کلیه‌ی این امور بر عهده‌ی حاکم شرع یا حکومت اسلامی است و شارع به انجام دادن این امور اهتمام دارد و راضی به ترک آنها نیست. از امور حسبه به امور قریبی هم تعبیر شده، یعنی اموری که برای خداوند و قربت الی‌الله انجام می‌شود (عمید زنجانی، ۱۳۹۱: ۷۲). حسبه در اصطلاح فقه سیاسی، برنامه‌ریزی دینی در جهت مصالح عمومی و نظم اجتماعی است که اغلب در قالب امر به معروف و نهی از منکر اجرا می‌شود. امور حسبی در واقع شامل اموری لازم، اغماض‌ناکردنی و اهمال‌ناپذیر در جامعه‌ی اسلامی می‌شود. از این رو، این امور در فقه به مسئولیت‌های ضروری مشهورند (موسوی الخمینی، ۱۴۲۱: ج ۲، ص ۴۹۷؛ عاملی، ۱۴۰۹: ج ۱۸، باب

۱۹، ص ۵۷۷، ح ۱؛ نهج البلاغه: نامه ۵۳: ۱۰۱۷؛ عاملی، ۱۴۱۳: ۶۸؛ قلعه‌چی، ۱۴۲۱: ۷۵۰-۷۴۸؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱: ۳۲۶ - ۳۱۴). اهمیت حسبه چنان است که در صدر اسلام، پیشوایان و رهبران دینی علاوه بر اشتغال به کارهای متعدد و مهم شخصاً اداره‌ی امور حسبه در رسیدگی به مصالح عمومی را به عهده می‌گرفتند.

به نظر می‌رسد حاکم از باب ولایت بر امور حسبه، حمایت از اقشار مستضعف و محروم از جمله امور زنان بی‌سرپرست را بر عهده دارد و به عنوان سرپرست جامعه‌ی اسلامی، متولی رسیدگی به امور این قشر است. بنابراین امور زنان بی‌سرپرست که از یک سو، بسیار آسیب‌پذیرند و از سوی دیگر تربیت فرزندان به عنوان نسل آینده‌ی جامعه بر عهده‌ی آنهاست، از واجباتی است که بر عهده‌ی حاکم گذاشته‌شده و حاکم به عنوان سرپرست، مسئول رسیدگی به امور آنهاست.

• ولایت حاکم بر افراد فاقد ولی

از انشعابات دیگر بحث ولایت حاکم، ولایت بر کسی است که ولی ندارد (السلطان ولی من لا ولی له) و از نمونه‌های بارز این بحث رسیدگی به امور افراد بی‌سرپرست است (نجفی، ۱۴۰۴: ج ۲۵، ص ۱۸۷؛ آشتیانی، ۱۴۳۸: ۳۴۵؛ یزدی، ۱۳۸۴: ج ۹، ص ۳۲۶؛ همان: ج ۱۰، ص ۴۵۴؛ خوبی، ۱۴۱۷: ج ۷، ص ۵۷۳؛ حسینی شیرازی، بی‌تا: ج ۷، ص ۲۴۸؛ موسوی خلخالی، ۱۳۸۰: ۶۲۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۲: ج ۴، ص ۳۹).

افراد بی‌سرپرست، اشخاصی هستند که ولی و وصی خاصی ندارند، یعنی فرد و جامعه حق دخالت در شئون آن را ندارند. از همین قبیل است مردگانی که ولی و وارث و وصی نداشته و دین و میراث آنها نیز مشخص نیست. در تمامی این موارد، تنها یک مقام رسمی باید باشد تا رسیدگی به آن امور را به عهده بگیرد (جوادی آملی، ۱۳۶۸: ۱۰۵)؛ لذا نگاهی کوتاه به فقه اسلامی در زمینه‌ی اموری که به فقیه سپرده شده، می‌رساند که فقها نوعی ولایت بر اموال غیب، قصر، ایتام و بدون ولی دارند (نوابی، ۱۳۸۱: ۲۹۴).

از آنجا که زنان بی‌سرپرست به دلیل نبود سرپرست با مشکلات مالی و معنوی فراوان روبرو می‌شوند، لازم است حاکم جامعه‌ی اسلامی از باب ولایتی که بر این گونه افراد دارد، آنها را تحت پوشش و حمایت خود قرار دهد.

• ولایت حاکم بر ممتنع

سؤال مطرح این است که برای احراز امتناع، آیا اجبار حاکم لازم است و یا اینکه برای اعمال ولایت حاکم، تنها استنکاف مکلف کافی است و نیازی به اجبار وی از سوی حاکم نیست؟ با بررسی مواردی که به این دلیل استناد شده، به دست می‌آید که بیشتر فقیهان اجبار را لازم دانسته‌اند

و مقصودشان از ممتنع کسی است که حتی در صورت اجبار، از انجام وظیفه خودداری می‌کند؛ لذا هرگاه کسی از ادای حقوق دیگران خودداری کرده یا از انجام تکالیف قانونی خویش امتناع ورزد و یا مانع رسیدن افراد به حقوقشان شود، حاکم جامعه‌ی اسلامی می‌تواند به نیابت از وی عمل کند و آنچه وظیفه‌ی اوست، از باب ولایت انجام دهد. فقیهان، در ابواب مختلف فقه همانند زکات، بیع، دین، رهن و وصایا به این دلیل استناد کرده‌اند که در ادامه، به دو مورد اشاره می‌شود: در باب رهن، راهن موظف است به محض رسیدن زمان پرداخت دین، نسبت به ادای آن با فروش رهن اقدام کند، اما اگر از انجام‌دادن این کار خودداری کند، شهید ثانی می‌نویسد: «حاکم، وی را مجبور به فروش رهن می‌کند و یا اینکه خود، فروش آن را بر عهده می‌گیرد» (عاملی، ۱۴۱۳: ج ۴، ص ۵۱).

در کتاب *جواهر الکلام* آمده است: «اگر شخصی وصیت کند که پس از مرگ وی عبدش آزاد شود، وارث موظف است به این وصیت عمل کند و در صورت امتناع از انجام‌دادن آن حاکم، عبد را آزاد می‌کند» (نجفی، ۱۴۰۴: ج ۳۴، ص ۱۴۴).

از آنجا که زنان بی سرپرست و بدسرپرست قشر ضعیف و آسیب‌پذیر جامعه هستند، ممکن است دیگران از ادای حقوق آنها به هر طریقی امتناع کنند یا مانع رسیدن آنها به حقوقشان شوند، لذا حاکم جامعه‌ی اسلامی به جهت ولایتی که دارد، باید این گروه را تحت حمایت خود قرار دهد.

۳-۲- ادله‌ی خاص ناظر بر مسئولیت حکومت

دسته‌ی دیگری از ادله به بحث حمایت حاکم از زنان بی سرپرست و سرپرست خانوار اشاره‌ی مستقیم دارد و حاکم طبق این ادله به حمایت از این قشر موظف است.

الف. ادله‌ی نقلی خاص ناظر بر مسئولیت حکومت

پیامبر اکرم (ﷺ) و ائمه‌ی معصومین به عنوان حاکمان جامعه‌ی اسلامی برای رفع مشکلات و تأمین امنیت خانواده‌های بی سرپرست اقدام می‌کردند. در عملکرد این رهبران الهی و روایات نقل شده از آنها، حمایت‌های مختلف از زنان بی سرپرست مشاهده می‌شود.

پیامبر اکرم (ﷺ) می‌فرمایند: «یتیمان و زنان بی سرپرست را سیرکن و نسبت به یتیمان مانند پدری مهربان و برای زنان بی سرپرست همانند شوهری دلسوز باش، تا در عوض این خدمات به ازای هر نفسی که در دنیا می‌کشی قصری در بهشت به تو عطا شود که هر قصری بهتر از دنیا و آنچه در آن است می‌باشد» (طبرسی، ۱۳۸۵: ۱۶۸).

امام صادق (ع) به نقل از پیغمبر (ص) فرمودند: «من از هر مؤمنی به خود سزاوارترم و اولویت دارم و پس از من این سزاواری را علی دارد». به حضرت عرض شد، معنی این سخن چیست؟ فرمودند: «فرمایش پیغمبر اسلام است که هر کس بمیرد و از خود بدهی یا بازماندگان بی سرپرست به جا گذارد، بر عهده‌ی من است (که دینش را ادا و از بازماندگانش سرپرستی کنم) و هر کس که بمیرد و مال از خود به جا گذارد، بر خود ولایت ندارد و چون مخارج عیال خود را نپردازد، بر آنها حق امر و نهی ندارد و پیامبر اسلام (ص) و امیرالمؤمنین (ع) و امامان بعد از ایشان ملزم‌اند (که مخارج آنها را بپردازند) و (کلینی، بی تا: ۲۶۴). بر این مبنا، در دوران غیبت فرزند رسول خدا (ص) نیز این مسئولیت بر عهده‌ی مسئول حکومت اسلامی بوده و توجه ویژه‌ی ایشان را می‌طلبد.

ب. مؤیدات فقهی خاص ناظر بر مسئولیت حکومت

• ولایت حاکم بر زوجه‌ی فرد غایب و ممتنع

طبق این دو قسم ولایت، حاکم ملزم به حمایت از زوجه‌ی مرد غایب و همچنین زوجه‌ی مرد ممتنع از پرداخت نفقه می‌شود و ضروری است که حاکم نفقه‌ی این دو قشر از زنان بی سرپرست را تأمین کند (طوسی، ۱۳۸۷: ج ۷، ص ۲۸۳؛ حلی، بی تا: ج ۲، ص ۴۹؛ کاشانی: ۱۳).

• ولایت حاکم بر زوجه‌ی فرد غایب

درباره‌ی زوجه‌ای که همسرش غایب است و تکالیف همسرش نسبت به او ایفا نمی‌شود، حاکم موظف است از باب ولایتی که بر شخص غایب دارد تکالیف او را نسبت به همسرش ایفا کند، مهم‌ترین وظیفه‌ی حاکم در قبال زوجه‌ی مرد غایب، تأمین نفقه‌ی او از بیت‌المال است (طوسی، ۱۳۸۷: ج ۶، ص ۳۵؛ حلی، ۱۴۱۸: ج ۳، ص ۱۱۵؛ عاملی، ۱۴۱۰: ۱۷۸؛ اردبیلی، ۱۴۰۳: ج ۴، ص ۱۷۸)؛ لذا وظیفه‌ی حاکم در این حالت به شرح ذیل است:

- اگر شوهر غایب است و مالی هم از او وجود ندارد، ولی مکان زوج مشخص باشد، حاکم شخصی را برای مطالبه‌ی نفقه‌ی زوجه به سوی او می‌فرستد (فاضل هندی، ۱۴۱۶: ج ۷، ص ۵۹۳؛ قاسمی، ۱۳۸۴: ج ۱، ص ۵۲۲).

- در زمان غیبت منفق، همسر مرد غایب می‌تواند با امر حاکم، برای تهیه‌ی هزینه‌های خود به حساب منفق قرض کند و منفق پس از حضور موظف است که قرض را ادا کند؛ چراکه حاکم در این موارد بر وی ولایت دارد (نجفی، ۱۴۰۴: ج ۳۱، ص ۳۶۴ و ۳۷۹؛ عاملی، ۱۴۱۳: ج ۸، ص ۴۹۶).

- زانی که شوهران ایشان گم شده باشند و خبری از ایشان نباشد و خویشاوند نداشته باشند که نفقه‌ی زنان آنان را بدهند و اگر نفقه به ایشان ندهند و آن زنان از نفقه‌ی خود عاجز باشند و صبر نکنند، حال خود را به حاکم شرع عرض می‌کنند، حاکم شرع زن را ملزم می‌کند که چهار سال منتظر بماند و از بیت‌المال به ایشان نفقه می‌دهد؛ لذا حاکم موظف است، نفقه‌ی این زنان را از بیت‌المال پرداخت کند (عاملی، ۱۴۱۳: ج ۹، ص ۲۸۴؛ شیخ بهایی، بی تا: ۳۱۶؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶: ج ۸، ص ۱۲۲، نجفی، ۱۴۰۴: ج ۳۱، ص ۳۵۳). البته پرداخت نفقه‌ی زن از بیت‌المال از بزرگترین مصلحت‌هایی خوانده شده که بیت‌المال را برای آن تعیین کرده‌اند (فاضل هندی، ۱۴۱۶: ج ۸، ص ۱۲۴).

درباره‌ی حمایت حاکم از زوجه‌ی مرد مفقود، حکم، طلاق این زن است (نجفی، ۱۴۰۴: ج ۳۲، صص ۲۸۸ و ۲۹۳ به بعد؛ یزدی، ۱۴۰۹: ج ۲، صص ۶۸ به بعد؛ خمینی، ۱۴۲۱: ج ۲، ص ۳۳۸).

• ولایت حاکم بر زوجه‌ی فرد ممتنع

مقصود از ممتنع کسی است که از انجام دادن تکالیف قانونی خویش استنکاف کرده یا از رسیدن صاحبان حق به حق خویش جلوگیری می‌کند؛ البته منظور امتناع اختیاری است نه قهری. برای احراز امتناع، اجبار حاکم لازم است؛ فلذا مقصود از ممتنع کسی است که حتی در صورت اجبار، وظایف خود را انجام ندهد.

بدین ترتیب می‌توان مفهوم این دلیل را این‌چنین بیان کرد: هرگاه کسی از ادای حقوق دیگران خودداری کرده یا از انجام دادن تکالیف قانونی خویش امتناع ورزد یا مانع رسیدن افراد به حقوقشان شود، حاکم جامعه‌ی اسلامی می‌تواند به نیابت از وی عمل کند و آنچه وظیفه‌ی اوست، از باب ولایت انجام دهد. بنابراین «امتناع» و نیز «وجود حاکم» دو شرط اساسی اجرای این قاعده است. شرط دیگر «مطالبه» و «درخواست صاحب حق» است (محقق داماد، ۱۳۸۱: ۲۱۸).

وظیفه‌ی حاکم در خصوص مردی که با وجود تمکن مالی نفقه‌ی زوجه‌اش را پرداخت نمی‌کند و از پرداخت آن سرپیچی می‌کند، به شرح ذیل است:

- حاکم شوهر را مجبور به پرداخت نفقه می‌کند. اگر شوهر از پرداخت نفقه امتناع کند، حاکم مختار است در حبس و تعزیر او یا پرداخت نفقه از مالی که از او ظاهر است حتی با فروش اموالش (سبزواری، ۱۴۲۳: ج ۲، ص ۳۱۰؛ ابن ابی جمهور، ۱۴۱۰: ۱۴۶).

- در صورت پرداخت نکردن نفقه، همسر با امر حاکم می‌تواند برای هزینه‌های خود به حساب منفق قرض کند و منفق موظف است که قرض را ادا کند، چراکه حاکم در این مورد بر وی ولایت دارد (نجفی، ۱۴۰۴: ج ۳۱، ص ۳۷۹؛ کیدری، ۱۴۱۶: ۴۴۵).

در پایان، لازم به ذکر است، از آنجا که نظام اسلامی همواره مورد حمله‌ی عظیمی از تهدیدات مختلف دشمن قرار دارد و به بهانه‌های متعدد و تحت هر عنوانی با هدف اعلام ناکارآمدی نظام جمهوری اسلامی آن را به چالش می‌کشند، اگر حکومت اسلامی درباره‌ی افراد آسیب‌پذیر به خصوص زنان بی‌سرپرست و بدسرپرست تدبیر مناسب نیندیشد، دشمن با دستاویز قرار دادن این مسئله، به آن قشر و جامعه آسیب‌های جدی وارد می‌کند و نظام اسلامی از این بابت متحمل پرداخت هزینه‌های گزافی می‌شود. کما اینکه امروز شاهد حضور جدی سازمان‌های بین‌المللی و عملکردهای برنامه‌ریزی شده‌ی آنها درباره‌ی این قشر آسیب‌پذیر هستیم.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد:

نظر به بررسی‌های انجام‌شده، اولین نکته در باب زنان بی‌سرپرست و بدسرپرست این است که در فقه امامیه، زنان باید در همه‌ی دوران زندگی خود حمایت شوند؛ لذا عناوین متداول در عصر حاضر با عنوان زنان سرپرست خانوار یا خودسرپرست تأیید نمی‌شود. به علاوه مبانی و مؤیدات فقهی فراوان مبنی بر مسئولیت حکومت اسلامی در قبال زنان بدسرپرست و بی‌سرپرست لزوم حمایت از این گروه از زنان را واضح و روشن می‌کند؛ لذا سوگیری قوانین موجود که زنان بی‌سرپرست و بدسرپرست را به سمت خودسرپرست کردن راهبری می‌کند، صحیح نبوده و باید این قوانین بر مبنای آموزه‌های دینی، بازنگری جدی و مبنایی شوند و در موارد ضروری نیز به حداقل تقلیل یابند. در راستای حمایت از این قشر از زنان، تأسیس سازمان رسیدگی به امور زنان که تحت نظر حاکمیت و فراقوه‌ای باشد، ضروری است؛ تا با ایجاد بانک اطلاعات زنان، اطلاعات جامعی از زنان بی‌سرپرست و بدسرپرست، تعداد افراد نیازمند و زمینه‌های مورد نیاز حمایتی تعیین شود و با توجه به دسته‌بندی نوع نیاز افراد تحت حمایت، بخش‌های این سازمان برای رسیدگی تخصصی به حل مسائل این قشر آسیب‌پذیر شکل بگیرد.

نکته‌ی دیگری که در باب حمایت از زنان بی‌سرپرست و بدسرپرست باید به آن توجه کرد، حمایت از قوانین خوبی است که تا به حال به مرحله‌ی اجرا نرسیده‌اند، از آن جمله قانون بیمه‌ی زنان خانه‌دار است. این بیمه هم بر وجاهت خانه‌داری زنان تأکید می‌کند و هم آینده‌ی ایشان را تأمین خواهد کرد. به علاوه، زنان بی‌سرپرست از این طریق ارتزاق می‌شوند و درصد زیادی از آنها مجبور به اشتغال به برخی از مشاغل که در شأن زن مسلمان نیستند، نخواهند شد.

با توجه خاص به بحث دورکاری در مشاغل بانوان (خصوصاً این قشر از زنان) که با فرهنگ و نگاه اسلامی ایرانی به حوزه و جایگاه زن تطبیق دارد، علاوه بر تأمین عزتمندانه‌ی این زنان،

می‌توان تربیت مادرانه‌ی فرزندان این قشر از زنان را نیز فراهم کرد. در یک نگاه کلی اصلاحات حقوقی لازم در حوزه‌های زیر باید انجام شود:

الف) در بخش موضوعات راهبردی

۱. نوع خدمات

- بیمه‌ی اجتماعی
- بیمه‌ی درمانی
- بازنشستگی
- تسهیلات مسکن

۲- گروه‌های هدف

- زنان سرپرست خانوار
- زنان و دختران بدسرپرست و بی سرپرست
- زنان خانه‌دار
- خانواده‌های کم‌درآمد و نیازمند
- مادران باردار و شیرده
- زنان مطلقه و بیوه
- زنان سالخورده و خودسرپرست نیازمند
- زنان و دختران معلول و آسیب‌دیده‌ی جسمی و روحی

۳- توانمندسازها

توانمندسازها به ساختارها یا فرایندهایی مربوط می‌شود که نظام سیاست‌گذاری و اجرایی را برای انجام فرایندهای اصلی توانمند می‌کند.

۴- زیرساخت‌ها

زیرساخت‌ها به مواردی اطلاق می‌شود که پیش‌نیاز سیاست‌گذاری و اجرایی برای انجام فرایندهای اصلی هستند. این موارد عمدتاً به وجود زیرساخت‌های قانونی و مقرراتی در کشور و نیز برخورداری از ساختار مناسب در حوزه‌ی پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در کشور مربوط می‌شود. بنا بر چنین پیش فرض‌هایی، مجموعه پیشنهاداتی برای دستیابی به اهداف راهبردی زیر

لازم به نظر می‌رسد:

اهداف راهبردی:

- توسعه‌ی بیمه‌های تأمین اجتماعی با هدف قراردادن زنان سرپرست خانوار و خانواده‌های آسیب‌دیده و نیازمند، زنان روستایی و زنان خانه‌دار و زنان شاغل و با رویکرد ارتقاء، توانایی‌های آنها؛
- ارتقاء بسترها و زمینه‌های حقوقی و قانونی لازم برای توسعه‌ی نظام تأمین اجتماعی گروه‌های مختلف زنان و خانواده‌های درمانی و نظام‌های حمایتی برای گروه‌های مختلف زنان و خانواده

برنامه	راهبرد
تهیه، تدوین و اجرای برنامه‌ی جامع نظام رفاه و تأمین اجتماعی زنان با اولویت بر زنان سرپرست خانوار	برنامه‌ی ارتقاء تأمین اجتماعی زنان و خانواده با اولویت زنان سرپرست خانوار و بدسرپرست
اعطای تسهیلات بیمه‌ی زنان خانه‌دار در کل کشور با اولویت زنان سرپرست خانوار فاقد نفقه	
انجام اقدامات لازم جهت افزایش ضریب نفوذ بیمه‌های اجتماعی و درمانی و برقراری نظام چند لایه‌ی تأمین اجتماعی شامل مساعدت‌های اجتماعی، بیمه‌ی پایه، بیمه‌های مکمل برای اقشار مختلف زنان	
افزایش بسته‌ی خدماتی بیمه‌های پایه درمان برای زنان و خانواده و گسترش فراگیر آن به کلیه‌ی زنان خودسرپرست و سرپرست خانوار	
تهیه و تدوین برنامه‌ی پرداخت کمک ودیعه مسکن به زنان سرپرست خانوار و بدسرپرست	
ساماندهی و پایش برنامه‌ی خدمات بیمه‌ی سلامت زنان سرپرست خانوار روستائی و عشایری به صورت یکپارچه مبتنی بر فناوری اطلاعات	

منابع

- ◀ قرآن.
- ◀ نهج البلاغه.
- ◀ ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، ۱۴۱۰. الأقطاب الفقهیه علی مذهب الإمامیه، قم: کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی.
- ◀ ابن اثیر، مبارک بن محمد جزری، ۱۳۶۴. النهایة فی غریب الحدیث و الاثر، قم: اسماعیلیه.
- ◀ اردبیلی، احمد بن محمد، ۱۴۰۳. مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ◀ آشتیانی، محمد حسن بن جعفر، ۱۴۳۸. القضاء، تهران: رنگین.
- ◀ بحرانی آل عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم، ۱۴۰۵. الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ◀ جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۳۸. ولایت فقیه، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- ◀ جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۸۱. ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش.
- ◀ جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۳۷۶. الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیه، بیروت: دار العلم للملایین.
- ◀ حسینی شیرازی، سید محمد. ایصال الطالب إلى المكاسب، تهران: اعلامی، بی تا.
- ◀ حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ ه. ق. وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت.
- ◀ حلی (ابن ادریس)، محمد بن منصور بن احمد، ۱۴۱۰. السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ◀ حلی، حسن بن یوسف بن علی بن مطهر اسدی، ۱۴۱۸. قواعد الأحكام فی معرفة الحلال و الحرام، قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعه المدرسین.
- ◀ _____ ۱۳۸۷. ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، قم: اسماعیلیان.
- ◀ خوبی، ابوالقاسم، ۱۴۱۷. مصباح الفقاهه (المکاسب)، قم: انصاریان.
- ◀ سبزواری، محمد باقر بن محمد مؤمن، ۱۴۲۳. کفایة الأحكام، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ◀ طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، ۱۴۱۴. الأمالی، قم: دارالتقافه.
- ◀ _____ ۱۳۸۷. المبسوط فی فقه الإمامیه، تهران: مکتبه المرتضویه.
- ◀ عاملی، زین الدین بن علی، ۱۴۱۰. الروضة البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه، قم: دارالتفسیر.
- ◀ _____ ۱۴۱۳. مسالک الأفهام فی شرح قواعد الأحكام، قم: مؤسسه معارف الإسلامیه.
- ◀ عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۳۹۱. قواعد فقه بخش حقوق خصوصی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها.
- ◀ عمیدی، عمیدالدین بن محمد اعرج حسینی، ۱۴۱۶. کنز الفوائد فی حل مشکلات القواعد، قم: دفتر

- انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ◀ فاضل هندی، محمدبن حسن اصفهانی، ۱۴۱۶. کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ◀ قاسمی، محمد علی، ۱۳۸۴. فقیهان امامی و عرصه‌های ولایت فقیه (از قرن چهارم تا سیزدهم هـ ق)، مشهد: دانشگاه علوم انسانی رضوی.
- ◀ قلعه‌جی، محمد رواس، ۱۴۲۱. الموسوعة الفقهية الميسرة، بيروت: دارالنفائس.
- ◀ کاشانی، حبیب‌الله بن علی مد. تسهیل المسالك الی مدارک فی دروس القواعد الفقهیه، قم: المطبعة العلمیه، بی تا.
- ◀ کلینی، محمدبن یعقوب. الکافی، قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، بی تا.
- ◀ کیدری، محمدبن حسین (قطب الدین)، ۱۴۱۶. إصباح الشیعه بمصباح الشریعه، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- ◀ محقق داماد، مصطفی، ۱۳۸۱. بررسی فقهی خانواده نکاح و انحلال آن، تهران: علوم اسلامی.
- ◀ مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۲. کتاب النکاح، قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- ◀ موسوی خلخالی، محمد مهدی، ۱۳۸۰. حاکمیت در اسلام یا ولایت فقیه، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین
- ◀ موسوی خمینی، روح الله موسوی، ۱۴۲۱ هـ. ق، تحریر الوسیله، قم: دارالعلم
- ◀ نجفی، محمد حسن، ۱۴۰۴. جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- ◀ نوایی، علی اکبر، ۱۳۸۱. «چرایی نیاز بشر به دین»، اندیشه حوزه، ش ۳۵ و ۳۶، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- ◀ یزدی، محمد کاظم، ۱۴۰۹. العروة الوثقی، بیروت: المؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- ◀ _____، ۱۳۸۴. مصباح الهدی فی شرح العروة الوثقی، تهران: مؤلف.
- Mc Gowan, L. 1990. *The determinat and conseauences of female-headed households*. Population council and international center for Research on women.
- Buvinic, Youssef & Elm, Spring 1978. *Journal of Comparative Family Studies*, Vol. 30, No. 2 .